

سقف و کف قیمت نفت

پنجاه یا ۲۰۰ دلار؟

تا سال ۲۰۱۲، این امکان وجود دارد که تورم و تقاضای موجود، از میان رفته و قیمت نفت، حتی به بشکه‌ای کمتر از ۵۰ دلار برسد.

نرخ هولناک ۳/۳ درصد در سال، در حال افزایش است. این نرخ باور نکردنی از معیاری از نقدینگی، در حالی به ثبت رسیده است که دولت آمریکا، از ژانویه سال ۲۰۰۸ تاکنون، برنامه‌های گسترده مهار تورم را به طور جدی و همه‌جانبه دنبال می‌کند. به عبارتی دیگر، دولت به طور کامل در مهار تورم ناتوان بوده است. اگر دولت برای ادامه رشد اقتصادی، نرخ نقدینگی را در چهار سال آینده یا به طور کلی، در سال‌های آتی، همچنان بالا نگه دارد، از آنجایی که قیمت کالاها و بهای خدمات، رشد را دنبال می‌کنند، تا سال ۲۰۱۲ قیمت‌ها در ایالات متحد در حدود ۲۳۶ درصدی رشد خواهند کرد. یعنی با احتساب قیمت کنونی دلاری نفت در هر بشکه، قیمت یک بشکه نفت خام در سال ۲۰۱۲ برابر با ۳۸۶ دلار خواهد بود. پس، با توجه به ادامه رونق اقتصادی، تورم و کاهش نسبی تقاضا که در چند سال آتی، بر اقتصاد و صنعت جهانی حاکم خواهد شد، می‌توان گفت، پیش‌بینی قیمت نفت به میزان ۲۰۰ دلار در هر بشکه، چندان هم غیر واقعی و دور از احتمال نیست. بی‌شک، اگر ارزش دلار جهت ایجاد تعادل در بازارهای جهانی و جلوگیری از بروز رکود شدید اقتصادی در آمریکا از سوی دولتمردان واشنگتن با نرخ کنونی کاهش یابد، در سال ۲۰۱۲ ارزش یک یورو بیش از ۵ دلار خواهد بود و یک دلار، تنها برابر با ۲۸ ین معامله خواهد شد.

برخی از کارشناسان معتقدند، دولت جرج بوش برای کم رنگ کردن آثار تورم در جامعه آمریکا، ارزش دلار در برابر سایر ارزهای رایج جهان را همچنان کاهش می‌دهد و به بیانی ساده‌تر، همه بار منفی تورم را بر دوش دلار قرار داده است. هرچه دلار ارزان‌تر می‌شود، قدرت صادرات ایالات متحد افزایش می‌یابد و این کشور، نیازهای ضروری خود را از طریق واردات از کشورهای جهان سوم، بدون از دست دادن سرمایه‌های زیاد تأمین می‌کند. ولی انفجار تورم در ایالات متحد، به رویکرد دولت این کشور در برابر مشکلات اقتصادی خود بستگی دارد. اگر دولت آمریکا برای رویارویی با مشکلات اقتصادی، همچنان بخواهد نرخ نقدینگی و مشاع را حدود ۳۱ درصد نگه دارد، بی‌شک در سال ۲۰۱۲ تورم و گرانی شدید بر بازار داخلی ایالات متحد

در مؤسسه تحقیقات اقتصادی CIBC، جدیدترین گزارش خود، قیمت هر بشکه نفت خام در سال ۲۰۱۲ را ۲۰۰ دلار پیش‌بینی کرده است. این مؤسسه تحقیقاتی، رونق اقتصادی ایالات متحد و ضعف دلار در برابر دیگر ارزهای رایج جهان را مهم‌ترین دلایل چنین افزایشی در بهای نفت اعلام کرده است. بنابراین گزارش جدید این مؤسسه، با وجود افزایش تولید جهانی و برابری نسبی ذخایر نفتی جهان و تقاضای بازار، افزایش قیمت نفت خام، به دلیل رونق اقتصادی ایالات متحد، همچنان ادامه خواهد داشت. البته تورم بی‌سابقه حاکم بر جهان، بازارهای جهانی را از تعادل خارج کرده و رشد اقتصاد جهانی را به شدت تهدید می‌کند. پیش‌بینی می‌شود، نرخ تورم در چهار سال آتی، همچنان به قوت خود باقی بماند و شاهد افزایش شدید بهای نفت، طلا و کالاهای اساسی و ضروری باشیم. چنین به نظر می‌رسد که دلار ایالات متحد، راه بحران شدید ۱۹۲۳ که در آن، مارک آلمان افول کرد را در پیش گرفته است، البته با این تفاوت که این بار، بحران اقتصادی، نه تنها ایالات متحد، بلکه سراسر جهان را دربر خواهد گرفت.

اما برخی دیگر از کارشناسان اقتصادی، جهان را در حال سپری کردن آخرین روزهای عمر تورمی‌اش می‌دانند و خبر از بهبودی اوضاع اقتصادی جهان در چند سال آتی می‌دهند. پیش‌بینی این گروه از کارشناسان برای قیمت نفت در سال ۲۰۱۲ کمتر از ۵۰ دلار در هر بشکه است و رکود اقتصادی و صنعتی و به تبع آن، کاهش شدید تقاضا در بازارهای جهانی را، دلیل اصلی کاهش قیمت نفت در چند سال آتی می‌دانند. به اعتقاد این دسته از کارشناسان، اوج قیمت نفت در بازارهای جهانی، به نقطه‌نهایی خود رسیده است و دیری نخواهد گذشت که قیمت نفت، با کاهش شدیدی روبه‌رو گردد.

جهان را دربر خواهد گرفت.

اما برخی دیگر از کارشناسان اقتصادی، جهان را در حال سپری کردن آخرین روزهای عمر تورمی‌اش می‌دانند و خبر از بهبودی اوضاع اقتصادی جهان در چند سال آتی می‌دهند. پیش‌بینی این گروه از کارشناسان برای قیمت نفت در سال ۲۰۱۲ کمتر از ۵۰ دلار در هر بشکه است و رکود اقتصادی و صنعتی و به تبع آن، کاهش شدید تقاضا در بازارهای جهانی را، دلیل اصلی کاهش قیمت نفت در چند سال آتی می‌دانند. به اعتقاد این دسته از کارشناسان، اوج قیمت نفت در بازارهای جهانی، به نقطه‌نهایی خود رسیده است و دیری نخواهد گذشت که قیمت نفت، با کاهش شدیدی روبه‌رو گردد.

پنج دلار برای یک یورو؟

با استناد به یک گزارش دیگر، گزارش‌های رسمی سه ماهه نخست سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهند که رشد نقدینگی به علاوه دارایی‌های شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشاع کوتاه‌مدت در ایالات متحد، با

استفاده قرار گیرند، تمایل به بزرگنمایی یا حداقل سعی در اشاره به برخی اهمیت‌های استراتژیکی این کالاها دارد. در سال ۲۰۰۲، زمانی که وزارت بازرگانی آمریکا، یکی از بازرسانش را به نام Mary O'Brien، به آنجا فرستاد، مقامات آمریکایی در مورد تجارت با امارات هشدار دادند. طبق بررسی اجمالی شرکت‌ها، انبارها و کارخانه‌ها، ارسال‌کنندگان محموله و دیگر شرکت‌هایی که محصولات آمریکایی تحت کنترل صادرات را سفارش می‌دهند، این مسأله مشهود است که ارسال کالاهای کاربردی دوجانبه (شامل قطعات کامپیوتری)، در مقیاس وسیع‌تری نسبت به آنچه تصور می‌شد تغییر مسیر داده می‌شود.

به عنوان مثال، یک کارگاه چوب و نجاری، دستگاه آمریکایی پیچیده‌ای برای ساخت قطعات فلزی سفارش داده بود. ولی به گزارش O'Brien، این وسیله، قابلیت ساخت بخش‌هایی از یک سیستم موشک هسته‌ای را نیز در بر داشت. بدتر آن که، در این کارخانه نجاری، تقریباً از خاک اره خبری نبود و کارگران معدود آن نیز قادر به توضیح چگونگی کار با دستگاه مورد نظر نبودند.

از سوی دیگر، O'Brien با پافشاری در جویا شدن دلیل خریداری یک دوربین آمریکایی مادون قرمز با قابلیت شناسایی موجودات در تاریکی توسط یک عمده‌فروش بسته در دبی، دریافت که خریدار (تحت فشار)، نسبت به بازگرداندن این وسیله از ایران، - کشوری که این کالا ظاهراً به آن تغییر مسیر داده بود - اقدام کرده و این مسأله موجب ادامه پیگیری بازرسی‌ها شد. در حدود ۴۰ درصد از بازرسی‌های O'Brien در مدت چهار سال، نشان می‌دهد که کالاهای تحت کنترل، یا ناپدید شده‌اند و یا آن که واردکننده برای روشن شدن مسأله همکاری نمی‌کند. با وارد شدن نام بسیاری از این شرکت‌ها به یک لیست بلندبالا، به صادرکنندگان آمریکایی هشدار داده شد. از نظر یک مقام ارشد سابق کنترل صادرات بازرگانی، این مسأله همچون یک غریبال بزرگ است. از آنچه به ظاهر به امارات متحد عربی وارد می‌شود، تقریباً هیچ چیز در این کشور باقی نمی‌ماند. ■



حاکم خواهد بود. ظاهراً چنین رویکردی از دولتمردان واشنگتن بعید نیست. دولت آمریکا از افزایش نرخ تورم بیمی نداشته و برای جلوگیری از بروز رکود اقتصادی، کنترل اوضاع با افزایش تورم را ابزار اصلی خود ساخته است.

اما تورم به معنای گرانی کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم است و در صورت اعمال تورم بیش از حد توان مردم، ممکن است وخامت اوضاع، دو چندان شود و مشکلات اجتماعی و بحران داخلی، بر مشکلات اقتصادی ایالات متحد دامن زند. پس دولت، راهکار مکملی را اتخاذ کرده و آن چیزی نیست جز اعطای تسهیلات ویژه به مردم و ورود برخی اقلام ضروری به سبد حمایتی دولت. همچنین، دولت با تزریق اعتبار به بانک‌ها و اعطای تسهیلات بانکی به مردم، در نظر دارد بار ناشی از بحران اعتباری مسکن را از دوش مردم بردارد. در نتیجه، دولت به کمک بانک‌های متضرر از پرداخت وام‌های خرید خانه و لوازم خانگی پرداختی، برخی از خسارت‌های آنها را جبران می‌کند. دولت همچنین، برای تأمین نیازهای ضروری کشور، به واردات از کشورهای جهان سوم روی آورده است. گرچه واردات کالا با قیمت بسیار ارزان از کشورهای جهان سوم، به ظاهر نیازهای داخلی را تأمین می‌کند، ادامه واردات در بلندمدت، موجب نابودی هزاران فرصت شغلی خواهد شد و بحران بیکاری را به مشکلات اقتصادی آمریکا اضافه خواهد کرد. کاهش بهره‌های بانکی و رساندن آنها به کمترین حد ممکن، از دیگر برنامه‌های دولت آمریکا برای مقابله با مشکلات اقتصادی است. این امر، با وجود تبعات مثبتش، موجب افزایش شدید بهای نفت و به خصوص، طلا و نقره در بازارهای جهانی شده است. کاهش بهره بانکی از یک سو و افزایش شدید بهای سوخت و انرژی از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران را به سمت سرمایه‌گذاری در بخش طلا و نقره سوق داده و صنعت جهانی را با کمبود منابع مالی روبه‌رو ساخته است. تنها دو راهکار اساسی برای نجات ایالات متحد از نرخ تورم ۳۰ درصد در سال و نفت ۲۰۰ دلاری در سال ۲۰۱۲ وجود دارد. یکی آن که دولتمردان این کشور، رویکرد خود به مشکلات اقتصادی و راهکارهای مالی و اعتباری خویش را تغییر دهند که چنین امری با توجه به شرایط موجود، ناممکن می‌نماید. دومین راهکار، فروش و واگذاری اوراق و اسناد بهادار خزانه داری ملی به بخش خصوصی است. به این ترتیب، سرمایه مورد نیاز برای احیای اقتصاد ایالات متحد، فراهم خواهد شد. گروه دوم کارشناسان اقتصادی، روند افزایش نرخ تورم را کوتاه مدت می‌دانند و با دلایل قانع‌کننده، این موضوع را ثابت می‌کنند. افزایش بهای نفت از سوی و کاهش توان مالی دولت‌ها در سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، از سوی دیگر، موجب رکود نسبی صنعت و به تبع آن، رکود اقتصادی خواهد شد. از

طرفی، تورم شدید سال‌های اخیر، قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داده است. پس، هم تولید و هم تقاضا با کاهش روبه‌رو گردیده و به این ترتیب، دلیلی برای افزایش نرخ تورم وجود ندارد. برنامه‌های تأمین منابع انرژی جایگزین و افزایش ظرفیت تولید نفت خام در برخی از کشورهای مستعد جهان نیز موجب افزایش عرضه در برابر تقاضا خواهد شد. به این ترتیب، قیمت نفت در سراسری تندی قرار خواهد گرفت. در این سناریو، تا سال ۲۰۱۲ تورم و

معضل فروشگاه‌های زنجیره‌ای

ورشکسته‌ها

تقاضای کنونی از میان رفته و قیمت نفت، ممکن است به کمتر از ۵۰ دلار در هر بشکه برسد. قیمت نفت در سال‌های اخیر، به بالاترین حد ممکن رسیده و بعید است این افزایش قیمت تا روز قیامت ادامه یابد. ورود کشورهای جدید به جمع صادرکنندگان نفت و گسترش منابع جایگزین، به زودی موجب تعادل در بازارهای جهانی خواهد شد. قیمت نفت هم همچون قیمت سهام و مسکن، پایانی دارد و نمی‌تواند برای همیشه افزایش یابد. ■

کاهش آهنگ مصرف و مشکلات بازارهای اعتباری در ایالات متحد، موج وسیعی از ورشکستگی‌ها را در بین خرده فروشان آمریکایی موجب شده و تعطیلی هزاران مغازه را به همراه داشته است.



بدتر آن که، چون این فروشندگان، وابسته به شبکه گسترده‌ای از عمده‌فروشان فعال هستند، موج ورشکستگی آنها گستره وسیعی از اقتصاد را در برمی‌گیرد. چنین زنجیره کمبود نقدینگی، ده‌ها میلیون دلار چک پرداخت شده به شرکت‌های حمل‌ونقل، کارخانجات لوازم خانگی، دارندگان مرکز خرید و دفاتر تبلیغاتی را به دنبال داشته است. اکثر شرکت‌های متضرر، به جای انحلال، نسبت به سازمان‌دهی مجدد تحت قوانین ورشکستگی، تشکیل پرونده داده‌اند. ولی به گفته وکلا و کارشناسان صنعت، برخلاف موارد پیشین، این بار، بسیاری از این شرکت‌ها قادر به حل بحران ورشکستگی خود نخواهند بود. بسیاری از خرده فروشان که طی هشت ماه گذشته، با تکیه بر فصل "حمایت از ورشکستگی" قوانین آمریکا تشکیل پرونده داده‌اند، با بستن فروشگاه‌ها، تعدیل کارکنان و توقف تولید کالا در حال تضعیف هستند. در بسیاری از موارد این ناکامی‌ها ناشی از چندین عامل همچون، استراتژی‌های ناقص تجاری، اقتصاد رو به زوال و عدم تمایل بانک‌ها به ارایه وام‌های ارزان است. ■

معضل کاهش مصرف و تداوم بحران در بازارهای اعتباری، دامنگیر شرکت‌های ملی بزرگتر هم شده است. حتی خرده‌فروشان که در معرض خطر ورشکستگی نیستند، با بستن مغازه‌های خود، سعی در صرفه‌جویی در هزینه‌ها و اندوختن سرمایه برای شرایط سخت اقتصادی طولانی‌مدت دارند. از سوی دیگر، موج بلند قیمت‌ها و هزینه مایحتاج زندگی، روند صرفه‌جویی را در میان مصرف‌کنندگان موجب شده است. طبق ارقام به دست آمده، هزینه تهیه مواد غذایی و بنزین، از دیگر مایحتاج، پیشی گرفته و مردم، پول کمتری صرف خرید وسایل منزل، پوشاک و وسایل الکترونیکی می‌نمایند.

در نتیجه، فروشندگان مختص این دسته از اجناس، بیشتر در معرض ورشکستگی قرار گرفته‌اند. با توجه به این فراز و نشیب‌ها در سال جاری، فروشندگان تا حد زیادی برای تأمین خرید اجناس یا حتی پرداخت به کارکنان خود، پول قرض می‌کنند.

به موازات، بانک‌های آمریکا که هم‌اکنون با بحران وام‌های معوقه مواجه هستند، با کاهش صدور کارت‌های اعتباری در صنعت خرده‌فروشی، شروع به جلوگیری از گسترش وام‌های جدید کرده‌اند.